برتر روزنامه‌ها

رسیدن به مرز قدرت جهان افسانه نیست

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشت دیروز خود با بیان این گزاره که بزرگ‌ترین پروژه انقلاب اسلامی ایران، احیای قدرت ایران بوده است، نوشت: ایران شناسنامه تاریخی مشخصی دارد؛ کشور ما در برهه‌های مختلف تاریخی، «قدرتمندترین» یا یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان بوده است. چندهزار سال تاریخ ایران به خوبی گواه این مسئله است و البته در طول این تاریخ چندهزارساله، گهگاه فتوری هم در این قدرت پدید آمده است. حملات سهمگین خارجی از یک طرف و بی‌لیاقتی حکام ایران در دوره‌هایی از این تاریخ چندهزارساله، قدرت ایران را در دوره‌هایی تضعیف کرده، اما هر بار به‌زودی دوباره ایران مقتدر سربرآورده و به جبران مافات دست یافته است. نویسنده با بیان اینکه انقلاب اسلامی عرصه داخلی را از حکمرانان جبار و در همان حال وابسته و عرصه خارجی را از قرار گرفتن در ذیل قدرت‌های مسلط پاک و در هر دو عرصه جا را برای قدرت و هویت ایرانی باز کرد، اضافه کرده است: انقلاب اسلامی، مواجهه اصلی‌اش با سلطه خارجی و حاکمان نالایق داخلی بود که این هر دو در یکدیگر تنیده شده بودند و هر یکی موجد و مقوم دیگری بود. در واقع رابطه وثیقی بین سلطه خارجی و حکام نالایق داخلی وجود داشت.

اما واقعاً احیای قدرت ایران و تبدیل ایران به یکی از قطب‌های قدرت جهان و رسیدن به «ایران قوی» کاملاً ممکن است و می‌توان به رغم دشمنی‌های غرب و عوامل آن به آن دست یافت. بزرگ‌ترین دلیل این مدعا، بقای جمهوری اسلامی و پیشرفت‌های آن به رغم ۴۴سال سنگ‌اندازی دشمنان است. با قاطعیت می‌توان ادعا کرد ایران امروز در نسبت‌سنجی با ایران ۱۳۵۷ - بدون استثنا - در تمامی زمینه‌ها چه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری جلوتر است. باید باور کنیم که ایران عزیز ظرفیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی ایجاد تمدنی نوین و قدرتی جهانی دارد.

حکمرانی نو؛ استفاده از مردم در امور مردم

صبح نو

روزنامه صبح‌نو در سرمقاله خود با تأکید بر این نکته که جامعه و کشور نیازمند یک تحول است، نوشت: تاکنون در کشور ما از امور اقتصادی گرفته تا فرهنگی، همه تحت مدیریت مستقیم دولت قرار داشته است، اما اکنون با افزایش تعداد نخبگان و کارشناسان، جامعه خواهان این است که بسیاری از امور از مدیریت مستقیم دولت خارج شده و به دست خود مردم سپرده شود.

کوچک‌سازی دولت و سپردن امور به بخش خصوصی جزو مهم‌ترین اصلاحاتی است که باید صورت گیرد. این موضوع باید در تدوین برنامه هفتم توسعه مورد توجه قرار گیرد. امروزه دیگر با گسترده شدن نیازهای مردم، دولت نمی‌تواند به تنهایی تمام مشکلات را حل کند و نیاز به بهره‌مندی از توانمندی‌های بخش خصوصی دارد. صبح‌نو اضافه کرده است: هیچ کشور باثباتی در دنیا پیدا نمی‌شود که نظام حزبی‌اش ضعیف باشد، بنابراین ما باید در دیدگاهی که نسبت به احزاب داریم، تجدیدنظر کنیم و به سمت ایجاد یک نظام حزبی قوی حرکت کنیم. به علاوه نیاز است در نظام انتخاباتی کشور هم اصلاحاتی صورت گیرد. برای رسیدن به حکمرانی نو، چندین تغییر باید در شیوه حکمرانی ما ایجاد شود. در قدم اول باید علاوه بر کنار گذاشتن دولت بزرگ و مداخله‌گر و حرکت به سمت دولت کوچک و بهره‌گیری از متخصصان، از تجربیات جهانی نیز استفاده کنیم. مشکلاتی که اکنون برای کشور ما پیش آمده است، در دیگر قسمت‌های دنیا هم سابقه دارد و طرح‌های امتحان‌شده‌ای در جهان برای عبور از این مشکلات وجود دارد که باید از آنها استفاده کنیم.

آنارشیسم امریکایی

جام جم

روزنامه جام‌جم در یادداشت دیروز خود به تحولات داخلی امریکا پرداخت و نوشت: مطابق آنچه مؤسسات نظرسنجی و تحقیقاتی در امریکا در تحلیل خود از نتایج انتخابات میاندوره‌ای کنگره بیان کرده‌اند، جنس آرای دموکرات‌ها در انتخابات میاندوره‌ای کنگره کاملاً سلبی بوده است، به عبارت بهتر، آنها نه در حمایت از بایدن، بلکه در مخالفت با ترامپ آرای خود را به سود برخی نامزدها به گردش درآورده‌اند. نتایج به‌دست آمده از آخرین نظرسنجی ملی امریکا که همزمان با این انتخابات از سوی بنیاد «ادیسون ریسرچ» انجام شد نیز نشان داد بیش از دوسوم رأی‌دهندگان به نامزدهای مجلس نمایندگان، نمی‌خواهند جو بایدن بار دیگر در انتخابات سال ۲۰۲۴ میلادی نامزد شود. فراتر از آن، حدود ۶۰درصد از شهروندان امریکایی (اعم از دموکرات یا جمهوریخواه) نیز در مجموع با نامزدی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ مخالف هستند. اگر این دو نظرسنجی را با نگاه فرامتنی به انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهیم، به همان «آنارشیسم داخلی» در این کشور می‌رسیم. بدون شک این روند تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا در سال ۲۰۲۴ تغییری پیدا نخواهد کرد و حتی در برخی موارد، شاهد تشدید آن خواهیم بود. در این معادله، عناوین و اسامی نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته و آنچه مورد هدف و هجمه قرار می‌گیرد، زیرساخت‌ها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت در امریکاست. به قول بسیاری از نظریه‌پردازان امریکایی، این کشور در دور باطلی گرفتار شده که ساختار دوحزبی قدرت را به چالش کشیده است. در این میان، امکان ظهور حزب سوم(آن هم حزبی مستقل و واقعی) در امریکا نیز با توجه به قدرت انحصاری دو حزب سنتی دموکرات و جمهوریخواه حداقل در آینده‌ای نزدیک بعید به نظر می‌رسد.

سهم این خون‌ها در بیداری مسئولان

همشهری

روزنامه همشهری موضوع یادداشت دیروز خود را به تحولات جاری در کشور اختصاص داد و با بیان اینکه القای حس ناامنی پروژه این روزهای ضدانقلاب است، نوشت: انتقام از مردم فقط این نیست که خون چند انسان بی‌گناه را بریزند. باید مردم به جهت روانی آسیب ببینند. این آسیب فیزیکی و روحی کمک می‌کند ذهن آماده شود که کار تمام است. دقت کردید؟ هر دو ثمره در ذهن است. شلیک نهایی به سمت ذهن مردم است. خط آشوب باید در ذهن‌ها داغ باشد و به نفع اوباش غلبه کند. اینجاست که خون می‌ریزند، مثل آب خوردن. ذهن را محاصره کنند، شهر را تسخیر کرده‌اند و ولاغیر. هیچ هزینه‌ای هم برای دشمن ندارد. هر چند روز یک‌بار به یک بهانه اطلاعیه می‌دهند. چند نفری در گوشه و کنار محله‌ها جمع می‌شوند. خون می‌ریزند و خلاص. این خونِ ریختن نیز شبیه تروریزم منافقین در ابتدای دهه ۶۰، کور نیست. کاملاً حساب شده است. آن روزها فقط قصدشان ترساندن جریان انقلاب بود، اما امروز هدف شناخت است نه ترس و تهییج. آن روزها خبر مظلومیت مردم بساط ظلم و ترور را جمع کرد، اما امروز خبر مظلومیت شهید حتی به مادر شهید هم نمی‌رسد، چه رسد به مردم. مادر کیان در جنگ روایت‌ها به قاتلان فرزندش پناه می‌برد و ناخواسته کمک می‌کند تا کودکان بیشتری کشته شوند. بازی نیز دو سر برد برای آنهاست. آدم می‌کشند. اگر از امنیتی‌ها باشد، سوت و کف می‌زنند و به هم تبریک می‌گویند. اگر کودک یا دختر جوان باشد پروژه «کارخودشونه» کلید می‌خورد. همین نکردند؟

حالا حرف چیست؟ آقایان مسئول، بی‌عملی ناشی از گیجی از تصمیم از سر انفعال و مماشات هم بدتر است. مطالبه امروز مردم پایان مداراست. کاری نکنیم از این مطالبه عبور کنند و بگویند سیستم در تصمیم‌گیری دچار گیجی است. همه عملیات اوباش بین‌المللی خلاصه در محاصره ذهنی مردم است. صدای مظلومیت شهدای امنیت حتی به مردم هم نمی‌رسد که بخواهند خونخواه باشند.

گفت‌وگو

رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش:

خویشتنداری ایران در مقابل فتنه سعودی حدی دارد

محمدصادق نیک‌گستر / فارس

ما واقعاً خویشتنداری کردیم و خود من احساس می‌کردم جا دارد عربستان سعودی در این فتنه‌ها، یک سیلی محکمی بخورد.

با توجه به تحرکات دشمن در جهت تحریک جوانان و مردم از طریق رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه وابسته به رژیم سعودی و تحلیل جنگ هیبریدی و شناختی اخیر دشمن علیه ایران اسلامی، خبرگزاری فارس گفت‌وگویی با امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان، رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی انجام داده است که خلاصه‌ای از آن در ادامه می‌آید.

اخیراً شاهد اتفاقاتی در کشور بودیم که فرماندهی معظم کل قوا از آن به عنوان جنگ ترکیبی علیه ایران اسلامی یاد کردند. از نظر شما مؤلفه‌های این جنگ ترکیبی چیست و این جنگ ترکیبی چند لایه است؟

من ابتدا از جنگ ترکیبی یا هیبریدی تعریف مختصری داشته باشم. امریکایی‌ها چند سال قبل در یکی از مراکز مطالعاتی‌شان جلساتی را ترتیب دادند و در آن جلسات نبردهای گذشته‌شان مثل جنگ ویتنام، جنگ اول و دوم خلیج فارس و جنگ افغانستان را مرور و تحلیل کردند و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که باید جنگ فرسایشی و طولانی‌مدت را از دستور کار خارج کنند و گفتند اگر بنا شد که به کشوری حمله نظامی کنیم، باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن آن را تصرف کنیم که هم تلفات انسانی کمتری داشته باشیم و هم هزینه‌های کمتری را متحمل شویم. به همین علت، استراتژی عملیات قاطع، سریع و استراتژی شوک و بهت را تعریف کردند. در همین ارتباط، برای اینکه بتوانند استراتژی عملیات قاطع سریع یا شوک و بهت را عملیاتی کنند از شیوه جنگ ترکیبی استفاده می‌کنند، یعنی به طور همزمان و ترکیبی از همه مؤلفه‌های قدرت همچون جنگ نظامی، جنگ سیاسی، جنگ رسانه‌ای، جنگ سایبری، جنگ شناختی و جنگ اقتصادی استفاده و کاری می‌کنند که ضمن وارد آوردن شوک به کشور هدف، قدرت تفکر و محاسبه را از او بگیرند. کشور ما امروز در گیر چنین جنگی با امریکاست و در همه حوزه‌هایی که ذکر کردم، استکبار و اذنابش برای شکستن مقاومت ملت ما سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اغتشاشات اخیر بخشی از جنگ ترکیبی یا هیبریدی امریکا علیه ماست. آنها بعد از سازماندهی افراد نفوذی و تجهیز آنان و یارگیری در داخل کشور، با یک هجوم رسانه‌ای سنگین و هدایت‌شده و با کمک بعضی سلبریتی‌های فریب‌خورده، جوانان خام و احساسی را به میدان آوردند و آنان را در مقابل نیروهای حافظ امنیت قرار دادند و سپس خودشان یعنی همین نفوذی‌ها، شروع‌کننده درگیری‌های فیزیکی و آتش زدن و قتل و کشته‌سازی می‌شدند و زمانی که احساس می‌کردند درگیری‌ها شدت گرفته، سریعاً منطقه را ترک و به جای دیگری و برای آتش‌افروزی دیگری می‌رفتند. کشورهای حامی آشوب در گام بعدی تصمیم داشتند با نفوذ دادن تروریست‌های تکفیری، ابتدا در کردستان و سیستان‌وبلوچستان و بعد خوزستان آتش فتنه‌های قومی و قبیله‌ای را مشتعل کنند که هوشیاری جامعه اطلاعاتی انتظامی و امنیتی کشور آنها را در این توطئه‌های خطرناک و ویرانگر ناکام گذاشت.

فضای مجازی و رسانه‌های معاند در آشوب‌ها و اغتشاشات اخیر نقش مؤثری را ایفا کردند و برخی از این رسانه‌ها لیدرهای آشوب را رهبری کردند، از نظر شما این جریان در اغتشاشات اخیر چه میزان تأثیر داشت؟

رسانه‌ها از ابزار اصلی جنگ نرم هستند و در این جنگ نرم هر کشوری رسانه‌های قدرتمندتری داشته باشد، پیروزی با اوست. وقتی صحبت از رسانه می‌شود منظور فقط تبادل یک پیام متنی یا فیلم کوتاه ویدئویی نیست بلکه منظور پیامی است که محتوا داشته و اثرگذار باشد. در اغتشاشات اخیر رسانه‌های معاند در یک اقدام مشترک، از همه تکنیک‌ها و جذابیت‌های رسانه‌ای و در حجم و مقیاس بسیار گسترده که نمونه آن کمتر دیده شده است، استفاده کردند. در مورد حجم و کثرت خبرها در مورد جمهوری اسلامی ایران، اغراق نیست اگر از واژه بمباران خبری استفاده کنیم. اخبار به صورت مسلسل‌وار به گونه‌ای سرازیر می‌شدند که قدرت تفکر را از مخاطب می‌گرفت و در ذهنش آنچه را که می‌خواست جای می‌داد. مأموریت غیرمسئولانه و ناجوانمردانه دیگری که رسانه‌های معاند علاوه بر جهت‌دهی ذهن‌های مخاطبان بر عهده داشتند، هماهنگی و هدایت اغتشاشگران و آموزش شیوه‌های تخریب و آدم‌کشی و گرم‌نگه‌داشتن میدان درگیری‌ها بود، به جرئت می‌توانم بگویم که در این اغتشاشات رسانه‌های معاند نقش مرکز فرماندهی و کنترل آشوبگران را بر عهده داشتند و با هدایت سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی صحنه‌های درگیری و اغتشاش را سازماندهی و جهت‌دهی می‌کردند.

مدافعان امنیت مانند پلیس و بسیج در جریان آشوب‌ها و اغتشاشات اخیر هدف هجمه قرار گرفتند و حملات بسیاری به آنها شد و حتی شهدایی هم تقدیم کردند. چرا دشمن به گونه‌ای جوانان را تحریک کرد تا به افرادی که مدافع امنیت آنها هستند، حمله کنند؟

واقعیت این است که ما در گیر یک جنگ شناختی هستیم. در این جنگ شناختی برخلاف جنگ نظامی، شما اگر یک نفر تلفات بدهید، علاوه بر اینکه یک نفر از آمار شما کم می‌شود، یک نفر هم به عده دشمن اضافه می‌شود، یعنی دشمن ذهن و فکر نفرات شما را در اختیار گرفته و آنان کاری را که او می‌خواهد انجام می‌دهند. مثالی بزنم که تقریب به ذهن شود. ببینید در جنگ صفین مالک اشتر تا فتح کامل خیمه‌های معاویه جلو رفته بود، در این زمان عمروعاص فتنه‌ای کرد و از تکنیک‌های جنگ شناختی استفاده کرد و توانست تعداد زیادی از لشکریان امیرالمؤمنین(ع) را فریب بدهد و این سربازان که برای از بین بردن معاویه از عراق به شام آمده بودند، به طرفداری از معاویه به حضرت علی(ع) حمله کردند و از او خواستند پیشروی مالک را متوقف کند. این اثر جنگ شناختی است. جوانی که به پلیس یا بسیج که مدافع امنیت اوست حمله می‌کند، در حقیقت جزو تلفات ما در جنگ شناختی است، یعنی دشمن موفق شده با تغییر در سیستم محاسباتی آن جوان، او را از اردوگاه ما خارج و در لشکر خود و به عنوان پیاده‌نظام خود وارد میدان کند. بخش قابل توجهی از این جوانان اغتشاشگر از این دسته هستند که بعد از دستگیری تازه متوجه می‌شوند چقدر بازی خورده‌اند و نادانسته خود، خانواده و کشورشان را با چه خطرات مهلک و خانمان‌سوزی روبه‌رو کرده‌اند.

با توجه به اینکه اتفاقات اخیر یک جنگ ترکیبی چندلایه بود، آیا ما توانستیم به خوبی در برابر جنگ ترکیبی دشمنان پدافند کنیم؟ آیا نیروهای انتظامی و امنیتی ما در مهار فتنه اخیر موفق بودند؟

ما باید واقعیت‌های صحنه را در نظر بگیریم. یکی از دوستان از من سؤال پرسید و گفت اگر کشور بلژیک بود، می‌توانست با این جنگ مقابله کند که من در پاسخ به او گفتم اگر این اتفاقات در کشور بلژیک رخ می‌داد، قطعاً در لحظه اولیه سقوط کرده بود. شما باید حجم تهاجم به نظام را در نظیر بگیرید و اینکه چه میزان از دشمنی به سوی ما روانه شده است. دشمن اکنون در حوزه جنگ‌های سایبری، روانی و شناختی و یک هجمه سنگین رسانه‌ای را علیه ما وارد کرده است. باید بگویم که این حجم عملیات رسانه‌ای را تاکنون مشاهده نکرده بودم، البته یک حجم کوچکی از آن را با تکنیک بمباران خبری در ۱۱سپتامبر مشاهده کردیم که دنیا تحت این بمباران خبری قرار گرفت، به این نحو که امریکایی‌ها یک حادثه ساختگی ایجاد و طوری وانمود کردند که جهان به این باور رسید که تروریست‌ها عامل این حادثه هستند. ما شاهد چنین هجمه و بمباران رسانه‌ای بودیم و تمام شبکه‌های فارسی‌زبان و غیر فارسی‌زبان به ما هجوم آورده بودند. این نشان از قابلیت، صلاحیت و توانمندی همه نیروهای مسلح و دستگاه دیپلماسی ما داشت که توانست به خوبی این موضوع را مهار و کنترل کند. اگر می‌گویم همه وظایف خود را انجام دادند به معنای قصور، کوتاهی‌ها و سستی‌های برخی مسئولان و مدیران نیست. متأسفانه ما این فضا را مهیا کردیم، همانطور که مقام معظم رهبری می‌فرمایند، در کشور زخم‌هایی وجود داشت و مگس هم روی این زخم‌ها نشست چراکه ما این زخم‌ها را ایجاد کردیم.

در حوادث اخیر شما رویکرد رژیم سعودی و حاکمان آنها را چگونه تحلیل می‌کنید؟

ما باید یک واقعیت را بپذیریم و آن این است که بن‌سلمان تربیت‌شده امریکایی‌هاست؛ فردی که در امریکا درس خوانده و معلمان او افسران موساد بوده‌اند. او یکی از عوامل اصلی موساد و امریکا در منطقه است. بن‌سلمان دشمنی خود را نشان داده است، در حالی که سران قبلی عربستان علاقه‌مند بودند مقداری تنش‌زدایی و ارتباطاتی برقرار کنند که شاهد بودیم در بسیاری از سطوح این کار انجام شد. نمونه آن تسهیلاتی بود که برای زوار ما ایجاد می‌کردند، اما بن‌سلمان از ابتدای ورود خود نشان داده این مشی را نداشته است و تلاش دارد با جمهوری اسلامی ایران تقابل کند، آن هم به علت جهت‌دهی‌ای است که از سوی صهیونیست‌های امریکایی و اسرائیلی به او داده می‌شود. خواسته امریکا و رژیم صهیونیستی این است که همیشه بین ما و آنها یک فاصله‌ای وجود داشته باشد و چه کسی بهتر از بن‌سلمان که بتواند این فاصله را ایجاد کند. به نظرم ما در این حادثه واقعاً خویشتنداری کردیم و خود من احساس می‌کردم جای آن دارد که عربستان سعودی در این فتنه‌ها از طریق نیروهای نیابتی و ظرفیت‌هایی که در منطقه وجود دارد یک سیلی محکمی بخورد، ولی به نظر من مسئولان ما مانند همیشه خویشتنداری و بزرگواری کردند، اما عربستان بداند که خویشتنداری هم بالاخره حدی دارد و اگر بخواهد اقدامات خصمانه خود را مقداری بیشتر کند، قطعاً پاسخ ما به این اقدامات پشیمان‌کننده خواهد بود.

سنگنوشته

اصلاحات و مواضع دونبش

اعتباربخشی به اغتشاشات از جمله برنامه‌های جریان اصلاحات برای مواجهه با حوادث اخیر بوده است؛ مواردی که در آن اراذل و اوباش دست به خشونت زدند و متأسفانه تعدادی از نیروهای انتظامی و بسیج به شهادت رسیدند یا زخمی و مجروح شدند.

اصلاح‌طلبان اما در برابر این حرکات خشونت‌آمیز نه تنها موضع‌گیری نمی‌کردند بلکه حتی با افکار ارتجاعی نفرت‌پراکنی کردند و خشونت را جنبش نامیدند و با ادبیات حمایتی خشونت را تعدیل می‌کردند و به آن وجهه اعتراضی و حق به جانب می‌دادند. این خشونت‌گسترانی از سوی اعضای جریان اصلاحات تاجایی بوده که حالا مسئله به موضوعی چون «عمامه‌پرانی» رسیده است. اصلاح‌طلبان اما حالا که کار از کار گذشته است و خشونت را عادی‌سازی کرده‌اند، دست به کار موضع‌گیری در برابر این عمل توهین‌آمیز شده‌اند. در همین رابطه روزنامه آرمان ملی در تیتر یک خود با عنوان «عمامه‌پرانی اعتراض یا انحراف؟!» نوشت: «انداختن عمامه از سر روحانیون در خیابان نه تنها سنخیتی با آنچه معترضان به عنوان خواسته‌های خودشان مطرح می‌کنند، ندارد بلکه نشان‌دهنده سوءاستفاده افراد یا جریاناتی از فضای موجود است.

توهین به روحانیت در حالی در فضای تاریک آشوب‌های اخیر با عمامه از سر روحانیون انداختن از سوی دشمن طراحی شده است که اصل این حرکت تخریب دین و بی‌حرمت کردن روحانیت شیعه را در دستور کار دارد.

وقتی رسانه‌های سعودی و انگلیسی در رأس آشوب‌افکنی قرار دارند، قطعاً برنامه‌های مختلفی جهت تخریب روحانیت شیعه از سوی وهابیت و بهائیت تدارک دیده و اجرا می‌شود. اصلاح‌طلبان تا به امروز با وجود دانستن و آگاهی از پشت پرده این اغتشاشات هیزم به آتش تحرکات خیابانی می‌ریختند اما به یکباره با فضای عمامه‌پراکنی و تخریب روحانیت به وضعیت بیشتر واقف شدند. روزنامه اصلاح‌طلب آرمان می‌افزاید: «انداختن عمامه از سر روحانیت اقدامی غیرقابل پذیرش است و در تمام دنیا رهبران دینی لباس‌های مخصوص به‌خود دارند که احترام آن حفظ می‌شود. در اعتراضات پس از انقلاب برخی این اقدام ناپسند را انجام دادند، مانند سال ۷۸ که عمامه عبدالله نوری را از سرش انداختند و سال ۸۸ هم عمامه یک کاندیدا را از سرش برداشتند. آنانی که امروز برای نشان‌دادن اعتراض خود اقدام به انداختن عمامه روحانیون می‌کنند، از یک نکته غافل هستند که روحانیون به خوبی شنوای انتقادات آنها هستند. در این جریان روحانیون بسیاری حضور دارند و افرادی چون رئیس دولت اصلاحات ملبس به لباس روحانیت هستند و تشکل‌های چپی چون مجمع روحانیت مبارز و کسانی چون «موسوی خوئینی‌ها» از این جمله هستند. جالب این است که این موضع‌گیری اصلاح‌طلبان در برابر هتاکی به روحانیت در حالی به طور کاملاً دیرهنگام اتفاق می‌افتد که این جناح سیاسی می‌توانست پیش از اینها بارها در برابر اقدامات ضدامنیتی موضع‌گیری کند و این کار را نکرد!

هر چند اصلاح‌طلبان حالا موضع‌گیری می‌کنند اما بازهم سعی دارند توپ را در زمین رقیب سنتی خود بیندازند و مطرح می‌کنند عمامه‌پراکنی را ابتدا اصولگرایان آغاز کردند که در این حیطه نیز این جریان سیاسی دست از تطهیر اغتشاشگران برنمی‌دارد و این موضع‌گیری را با تخریب رقیب سیاسی انجام می‌دهد. این روزها اصلاح‌طلبان به مثابه چاقوی دولبه می‌مانند که هم به خود آسیب می‌زنند و هم راه دشمن برای جولان دادن در خیابان‌ها را باز می‌کنند. جریان اصلاحات باید فرای این تحرکات دونبشی خود یک بازتعریفی از مواضع خود با انقلاب اسلامی ارائه دهد، نمی‌شود هم رفیق دزد بود و هم شریک قافله! اصلاحات وجهه خود را در هشت سال گذشته با عملکرد ناامیدکننده خود از دست داده است و با عملگرایی باید برای خود وجهه‌سازی کند نه همگامی و تطهیر اقدامات خصمانه، وگرنه اعتماد دوباره به یک جریان مأیوس‌کننده با عملکردی فوق ضعیف دوباره یک تجربه تلخ دیگر به بار می‌آورد، هر چند بسیاری از نارضایتی‌های امروز حاصل همین بی‌عملی و قصور مدیریتی اصلاح‌طلبان است.

جهان‌نیوز

گزیده خبر

برخی سلبریتی‌ها پازل دشمن را کامل کردند

مطالبه اصلی‌ای که از مسئولان وجود دارد، این است که بالاخره عده‌ای ادعایی دارند، بیایند راستی‌آزمایی کنند، اگر ثابت شود این تهمت‌ها ناروا بوده قوه‌قضائیه به عنوان مدعی‌العموم وارد شود و برخورد جدی کند.

شایان ترکمانی، مسئول واحد تشکیلات جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در گفت‌وگو با فارس افزود: در اغتشاشات اخیر که مشخص است دشمن ماه‌هاست برنامه‌ریزی آن را در اتاق‌های جنگش انجام می‌دهد، سلبریتی‌ها نقش تکمیل‌کننده پازل و تأثیرگذار در این عملیات جنگی تمام‌عیار را بازی کردند، البته باید توجه کرد که اغلب سلبریتی‌های داخلی وارد این بازی از پیش‌طراحی‌شده توسط دشمن نشدند. این فعال دانشجویی تأکید کرد: راهبردی که از طریق سلبریتی‌ها دنبال شد، آن بود که این افراد با شایعه‌پراکنی و سوءاستفاده از پایگاه اجتماعی‌شان و قدرت رسانه‌ای که به جهت جایگاه‌شان از آن برخوردار هستند، مردم را فریب دادند و سعی کردند آنها را به اغتشاش دعوت کنند. وی افزود: مطالبه اصلی‌ای که از مسئولان، به خصوص مسئولان قضایی وجود دارد این است که بالاخره عده‌ای ادعایی دارند، بیایند، راستی‌آزمایی کنند، خب اگر صحیح است، پیگیری‌های لازم در جهت احقاق حق و برپایی عدالت صورت گیرد. عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران گفت: اگر ثابت شود این تهمت‌ها ناروا بوده یا حتی بدتر از آن، با تحریک و تشویق معاندان و دشمنان این مرز و بوم بوده، قوه قضائیه به عنوان مدعی‌العموم وارد شود و برخورد جدی کند و مجرمان را به اشد مجازات برساند، چون به جهت حرف‌های بی‌پایه و اساس‌شان، کشور و این ملت هزینه‌ها داده‌اند.

بیانیه وزارت خارجه درخصوص حوادث تروریستی اخیر

سکوت در برابر حملات تروریستی در ایران پیامدی جز تقویت تروریسم ندارد

خبر

سکوت عامدانه مروّجان خارجی آشوب و خشونت در ایران در برابر آشکارترین عملیات تروریستی در چند شهر ایران، پیامدی جز تشویق تروریست‌ها و تقویت تروریسم در گستره گیتی ندارد.

به گزارش ایرنا، در بیانیه وزارت امور خارجه درخصوص حوادث تروریستی اخیر آمده است: در روزهای اخیر، ملت شریف ایران و جامعه بین‌المللی، شاهد اقدامات مجرمانه گروهی از تروریست‌های بیرحم علیه شهروندان بی‌گناه و مدافعان امنیت ایران عزیز در شهرهای ایذه، اصفهان و مشهد بودند. در این حملات تروریستی متأسفانه تعدادی از هموطنان عزیز ما و در میان آنها زنان و کودکان معصوم به شهادت رسیده یا مجروح شده‌اند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران این حملات شوم تروریستی را قویاً محکوم کرده و شهادت هموطنان عزیز را به آحاد مردم عزیز ایران به خصوص خانواده‌های داغدار شهیدان تسلیت گفته و از خداوند متعال برای مجروحان شفای عاجل مسئلت می‌کند. بدون تردید، سکوت عامدانه مروّجان خارجی آشوب و خشونت در ایران در برابر آشکارترین عملیات تروریستی در چند شهر ایران، پیامدی جز تشویق تروریست‌ها و تقویت تروریسم در گستره گیتی ندارد.

کشتارهای کور تروریستی در شهرهای ایذه، اصفهان و مشهد که پس از حمله مشابه اخیر به زائران و نمازگزاران حرم حضرت شاهچراغ شیراز اتفاق افتاد، کماکان مؤید این امر است که چگونه دشمنان و معاندین نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت شریف و بزرگ ایران، ماهیت جنایتکارانه خود را پشت نقاب دروغین دلسوزی برای مردم و فرزندان این کشور پنهان می‌کنند.

از منظر مقررات و هنجارهای بین‌المللی، تروریسم در هر شکل و زمان و مکان محکوم است و لذا وظیفه جامعه جهانی و مجامع بین‌المللی مسئول است تا با محکوم کردن اقدام‌های تروریستی اخیر در ایران، اجازه ندهند حریم ایمن برای خشونت‌طلبان و جریان‌های افراطی که تداوم زیست آنها در ترویج ناآرامی، نفرت‌پراکنی، تنش، آشوب و اغتشاش است، ایجاد شود.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای)

موضوع: مناقصه شماره م م ن/۴۴۳۶/۱۴۰۰ مربوط به پروژه تهیه کالا و احداث تسهیلات چندراهه و خط لوله جریانی چاه ۱۲ میدان سراجه قم (به صورت PC)

شماره ثبت در سامانه ستاد: ۲۰۰۰۰۹۳۲۲۱۰۰۰۰۸۰

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد موضوع مناقصه فوق‌الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای) به شرکت‌های واجد شرایط، واگذار نماید.

الف) شرح مختصر کار

پروژهٔ فوق‌الذکر مختصراً شامل: تهیه کالاساخت و پیش‌راه‌اندازی تسهیلات سرچاهی موقعیت چاه۱۲ میدان سراجه و خط لوله جریانی ۱۰ اینچ به طول تقریبی ۶۰۰ متر به صورت PC می‌باشد.

ب) مدت، محل و برآورد اولیه اجرای کار

مدت اجرای پروژه دوازده (۱۲) ماه بوده و برآورد تقریبی اجرای کار -/۹۶۰٬۸۸۶٬۴۴۶٬۱۲۵ ریال و -/۳۶۴٬۱۳ یورو و محل اجرای پروژه واقع در استان قم، منطقه عملیاتی سراجه قم می‌باشد.

ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی)

۱- داشتن شخصیت حقوقی و ارائه مدارک ثبت شرکت شامل: اساسنامه، آگهی روزنامه رسمی تأسیس شرکت و آخرین تغییرات آن، کد اقتصادی و شماره شناسه ملی شرکت، آدرس دقیق پستی، تلفن ثابت و نمابر (فکس).

۲- داشتن گواهینامه معتبر و ظرفیت آزاد حداقل در پایه ۵ رشته نفت و گاز طبق سایت پیمانکاران تأیید صلاحیت‌شده سازمان برنامه و بودجه کشور.

۳- داشتن گواهینامه معتبر تأیید صلاحیت ایمنی پیمانکاران صادر شده توسط وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی.

۴- داشتن صورت‌های مالی حسابرسی شده منتهی به سال مالی ۱۳۹۹ یا ۱۴۰۰.

۵- ثبت‌نام در سامانه جامع تجارت ایران (جام) به نشانی "ntsw.ir" به منظور فراهم نمودن امکان استعلام و تعیین اصالت صورت‌های مالی حسابرسی شده مناقصه گران از سامانه پردیس.

۶- داشتن توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۷٬۸۲۳٬۰۰۵٬۱۱۵ ریال به عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار.

۷- عضویت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و دارا بودن گواهی امضای الکترونیکی و تکمیل فرم استعلام ارزیابی کیفی موجود در سایت www.setadiran.ir

د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان‌ها در سامانه www.setadiran.ir بخش "ثبت نام/پروفایل تأمین‌کننده/مناقصه‌گر" موجود است. آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ و آخرین مهلت ثبت و بارگزاری اطلاعات فراخوان و اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی این مناقصه تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ می‌باشد.

خاطرنشان می‌سازد "پیشنهاد قیمت‌ها می‌بایست متناسب با کالای ساخت داخل و با لحاظ کیفیت ارائه گردد."

درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۸۷۵۲۴۴۴۱-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

شناسه آگهی: ۱۴۱۰۰۱۵

روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران